جمع‌بندی

مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی حدیثی آورده است که از قرن یازده به بعد، این ذهنیت پیدا شد که دلالت دارد که قرآن کریم تنها با یک قرائت نازل شده است و این اختلاف قراءات (که امروزه دست کم در قراءات سبع و عشر، شهرت چشمگیری دارند) ساخته قاریانی است که این قراءات بدانها منسوب است، و لذا مفاد حدیث نزول قرآن بر حرف واحد، به منزله انکار وجود قراءات متعدد نازل شده از جانب خداوند قلمداد شد.

در مقاله حاضر شواهد متعددی ارائه شد که مقصود از حدیث مذکور، نفی برداشت نادرستی از حدیث نبوی «نزول قرآن بر هفت حرف» در زمان صدورش (یعنی قرون اول و دوم) بوده است؛ عده‌ای با استناد به این حدیث نبوی ادعا می‌کردند می‌توان در الفاظ قرآن دست برد و از کلمات مترادف استفاده کرد و حتی بزرگانی از صحابه و تابعین با استناد به حدیث سبعه احرف، به چنین جوازی فتوا داده و بدان اقدام می‌کردند تا جایی که ابوحنیفه مستند به آن، فتوا به جواز قرائت نماز به فارسی می‌داد! چون آن برداشت نادرست در قرون دوم و سوم بتدریج از بین رفت، در واقع، قرائن صدور این حدیث کافی نیز تدریجا از بین رفت و کمکم این برداشت جدید از این حدیث پیدا شد که گویی در مقام نفی قراءات متعدد است؛ در حالی که زند قدمای شیعه مسأله کاملا واضح بود و بین اذعان به نزول قرآن بر حرف واحد و قبول قراءات متعدد نازل شده از جانب خداوند منافاتی نمی‌دیدند. و وقتی زمینه‌های این سوء تفاهم آشکار شود کسی شک نمی‌کند که شیعه وجود قراءات متعدد نازل شده از جانب خداوند را قطعا قبول دارد.

[در این مقاله نشان داده شد که نه‌تنها این تلقی که «نزول قرآن بر سبعة أحرف به معنای جواز مترادف‌گویی در قرآن باشد» نادرست است (تلقی‌ای که اهل بیت بشدت با آن مبارزه کردند)، بلکه نمی‌توان «حرف» را در حدیث «حرف واحد» به معنای قرائت دانست و لذا «سبعة أحرف» چه در آنجا که توسط امام باقر ع نفی می‌شود و چه در احادیث نبوی و آنجا که توسط امام صادق ع قبول می‌شود به معنای «هفت قرائت» یا صرف وجود قراءات متعدد نیست.]

بازبینی #1
ایجاد شده 24 دسامبر 2025 15:11:48 توسط ... .
به روزرسانی شده 24 دسامبر 2025 15:12:14 توسط ... .